

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۵

حقوق بشر در آیات قرآنی

۹
فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

نجمه رزم‌خواه
حقوق بشر در آیات قرآنی

نجمه رزم‌خواه^{۱*}

۱- دستیار علمی، گروه حقوق دانشگاه پیام نور، مرکز شبستر، تبریز، ایران.

چکیده

از دیدگاه قرآن همه انسان‌ها در این که آفریده خداوند هستند شریک‌اند و این اشتراک در خلقت و آفرینش، حداقلی از حقوق را برای آن‌ها موجب می‌شود. خداوند در قرآن از انسان با عنوان خلیفه‌الله یاد می‌کند. این بیانگر ارزشی است که برای شخصیت انسان‌ها قائل است. در دیدگاه قرآن، انسان موجودی است که توان رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی را داراست و خداوند در او از روح خود دمیده است و به او کرامت عطا فرموده است. (... و لقد کرّمنا بنی آدم ...) «به راستی که ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم».

واژگان کلیدی: حقوق بشر، قرآن، خلیفه الله، کرامت.

مقدمه

علی‌رغم اینکه دنیای امروز با چالش‌های مربوط به تعارضات و اختلافات میان ملل متمدن مواجه است و این چالش‌ها گروه‌های بشری را تحت تاثیر خود قرار داده، اما همواره لزوم رعایت ارزش‌های بشری مورد تاکید می‌باشد. حقوق بشر گفتمانی است که در درون خود گفتمان‌های فرعی دیگری را جای داده است، بی‌تردید می‌توان ادعا کرد مفاهیمی چون حق، آزادی، برابری و عدالت آن چنان ریشه گرفته‌اند که هر کدام در جای خود گفتمان پرنفوذی را در عرصه معارف انسانی تشکیل می‌دهند.

در حال حاضر، دولت‌های آزادمنش ساختار حکومتی خود را بر مبنای مشارکت عموم افراد در اداره امور کشور و رعایت آزادی‌های عمومی و احترام به حقوق اساسی بشر استوار کرده‌اند.

به واقع مسئله حقوق بشر یکی از چالش‌های مهم در میان جوامع بشری بوده هست، روزی نیست که درگیری میان اشخاص حقیقی و گروه‌های فکری و اجرایی درباره حقوق بشر به وقوع نپیوندد. تنش‌ها و جدال‌های فلسفی در میان دانشمندان و اندیشمندان به گونه‌ای است که هر یک مدعی تجاوز به حقوق عمومی و یا شخصی می‌باشند.

مباحث نظری حقوق بشر معاصر از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده و بدین ترتیب عمیقاً نیازمند به دست یازیدن و آگاهی یافتن از مفاهیم، ریشه‌ها، حوزه و قلمرو منابع حقوق بشر می‌باشد. این‌گونه مباحث نظری راه را برای تبیین حوزه‌های حقوق بشری هموار خواهد نمود.

اگر این مفاهیم و مبانی به خوبی تبیین نشوند، آنگاه سخن از آزادی عقیده و بیان و برابری نژادی، مذهبی، جنسی و غیره بیهوده خواهد بود. لذا برای درک بهتر این مفاهیم ابتدا به نحو مختصر، حقوق و حقوق بشر را تعریف نموده، اصول حقوقی بشر را در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بررسی خواهیم نمود و

سپس به بازخوانی مسئله حقوق بشر و کرامت‌های انسانی به معنای عام آن، بر پایه آموزه‌های قرآنی می‌پردازیم.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتباط با تغییر و تحولات فکری و فلسفی غرب، به وجود آمد، تحولاتی که در شرق رخ نداد. حقوق فردی، آزادی و دموکراسی زاینده جهان غرب هستند و این در حالی است که ما پیرو فرهنگ و آیین و مذهبی هستیم که پیش از این تحولات، به وجود آمده‌اند، لذا ضمن بررسی این اعلامیه، باید سعی کنیم از درون قرآن، حقوق بشر را استخراج کنیم؛ مردم سالاری دینی بسازیم و به آیین خودمان تکیه داشته باشیم. از آنجایی که قرآن مسائل را عینی و ملموس ترسیم کرده و بر پایه آن به تبیین و تحلیل می‌پردازد، نمی‌توان امید داشت که تنها به شکل فلسفی و نظری صرف به این مسئله پرداخته شود، این گونه است که قرآن همواره، بیان مصادیقی عینی، کلیاتی را ارائه می‌دهد و پیش از آنکه در مقام فلسفی به بررسی و تحلیل بپردازد، با ارائه نمونه‌های عینی می‌کوشد هم حکم مسئله دانسته شود و هم در نهایت تحلیل فلسفی از آن به دست دهد. نمونه‌هایی که قرآن بر می‌گزیند همواره از نمونه‌های فراگیر و بنیادینی است که در همه جا به آسانی با آن روبه‌رو هستیم به گونه‌ای که همواره در پیش چشم ما قرار دارد.

۱- تحلیل و تبیین مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر

الف- تحلیل و تبیین مفهوم حق

آن چه که در موضوع گزاره‌های حقوق بشری در حقوق بشر معاصر قرار می‌گیرد، "حق داشتن" است. در تعریفی کلی وقتی از حق داشتن سخن می‌گوییم به آن معنی است که دارنده حق در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. در واقع حقوق بشر که اساساً حقوق فردی و یا قابل کاستن بر حقوق فردی‌اند، بیشترین تقارب را با حق به معنی حق مطالبه دارند، در واقع این حقوق، ادعای بر غیر

است، در مقابل، وظیفه غیر در انجام و اجرای این گونه حقوق خودنمایی می‌کند.^۱ امروزه سخن از نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری است^۲، منظور از نسل اول حقوق بشر^۳ همانا حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی است، حق‌هایی از قبیل آزادی مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، آزادی رفت و آمد. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقه‌ای متعلق به نسل دوم حقوق بشر، طبقه‌بندی می‌شوند، حقوقی از قبیل حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش حق بهره‌مندی از مسکن مناسب و مراقبت‌های بهداشتی در این نسل قرار می‌گیرند، حق‌های نسل سوم ماهیتی جمع‌گرایانه دارند و به حق‌هایی همچون حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و یا حق بر توسعه اطلاق می‌شوند.

به لحاظ تاریخی نقطه عطف تولد نسل اول حقوق بشر در عرصه بین‌الملل را می‌توان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ م دانست؛ گرچه نقش منشور ملل متحد مصوب سال ۱۹۴۵ م در این زمینه قابل انکار نیست. در فاصله ساله‌ای دهه هشتاد عمدتاً بر اثر فشار کشورهای سوسیالیستی نسل دوم حقوق بشر متولد شد، و بالاخره نسل سوم حقوق نیز تحت فشار کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال توسعه شکل گرفت کما اینکه نباید نقش برخی کشورهای توسعه‌یافته را نیز در این راستا فراموش نمود.

ذکر این نکته می‌تواند مفید باشد که تقسیم‌بندی نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر، تقسیم‌بندی بر مبنای تحول تاریخی حقوق بشر بین‌المللی است نه تقسیم بندی عملی؛ همچنین به نظر می‌رسد بتوان محتوای مقررات بین‌المللی حقوق

^۱ قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۲. "حقوق بشر در جهان معاصر". تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

^۲ Waldron J, (۱۹۹۵). "Rights" ed. Goo din R. and Pettitp., A Companion to political philosophy. Blackwell pulisher. pp. ۵۷۶-۵۸۶.

^۳ First Generation of Human rights.

بشر را به دو دسته حقوق کلان^۱ و حقوق خرد^۲ تقسیم کرد. در حالی که حقوق کلان یا همان حقوق بنیادین بشر^۳ جنبه جهانی داشته و مبتنی بر اصول اخلاقی الزام‌آور برای تمام ملت‌ها و فرهنگ‌هاست؛ حقوق خرد می‌تواند با توجه به وضعیت خاص فرهنگی - مذهبی ملت‌ها تغییرپذیر باشد. لذا ضمن به رسمیت شناختن حقوق بنیادین به عنوان حقوقی جهان‌شمول، مسئله تنوع فرهنگی ملت‌ها نیز نادیده، گرفته نمی‌شود.

ب: (تحلیل مفهوم آزادی)

حق در یک جلوه آن به معنای آزادی است. از همین رو تحلیل مفهوم آزادی در تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^۴

آزادی در مفهوم موسع، همانا قدرت بر اندیشیدن و یا انجام عمل توسط فرد براساس اراده و خواست خود است. آزادی را می‌توان با واژگان حق نیز ترجمه کرد.^۵

حق به معنای آزادی می‌تواند در برگیرنده عبارت حق بر انجام (Right to do) باشد. مثلاً حق بهره‌گیری از ملک در واقع به معنای آزادی انجام تصرفات مالکان در ملک است. حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر در ارتباط با دارنده حق، ماهیت آزادی مدارانه دارند.

^۱ Macro Rights.

^۲ Micro Rights.

^۳ Furdamental Human Rights.

^۴ Cossere A.(۱۹۹۱). "international law in a Divided world". oxford university pres. pp.۳۱۱-۲۹۳.

^۵ قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۲. "حقوق بشر در جهان معاصر". تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی: ۶۰.

ج: (تحلیل مفهوم برابری)

برابری در علوم اجتماعی عموماً و مباحث هنجاری خصوصاً یکی از محوری ترین، مفاهیم است، البته این مفهوم، اساساً مفهومی متنازع فیه است. در زمینه حقوق بشر معاصر ایده برابری از مهمترین ایده‌های مطرح و در حقیقت یکی از اصول بنیادین به شمار می‌رود. تمام اسناد حقوق بشری ایده برابری را به عنوان ایده نظری مورد تأکید قرار داده‌اند. لذا با قاطعیت می‌توان ادعا نمود که پس از مفهوم حق و آزادی، مفهوم برابری از کلیدی‌ترین مفاهیم در تبیین حقوق بشر است. مفهوم ارسطویی از برابری به عنوان تعریفی کلاسیک تلقی می‌شود. بر مبنای این تعریف، با برابرها در شرایط برابر بایستی رفتاری برابر داشت^۱.

از نظر حقوق بشر فرض بر این است که انسان‌ها از نظر حیثیت انسانی با هم برابرند بنابراین در شرایط برابر باید با آن‌ها رفتار برابر شود لیکن باید توجه داشت حتی با پذیرش این ایده که انسان‌ها در حیثیت انسانی با هم برابرند، نمی‌توان به سادگی به مفهوم و عمق معنای برابری دست یافت. رونالد دورکین (Ronald Dworkin) به درستی بین دو دسته از حقوق انسانی تفاوت قائل شده است؛ دسته‌ای از حقوق انسانی حق‌هایی هستند که همه شهروندان باید به صورت برابر از آن‌ها بهره‌مند شوند مانند حق رأی. به واقع آن دسته از حق‌ها که منعکس کننده حق تعیین سرنوشت و در نتیجه کرامت ذاتی انسان به عنوان موجودی مختار و با اراده هستند، مانند آزادی عقیده و بیان در این طبقه می‌گنجد، دسته‌ای دیگر از حقوق از دیدگاه وی، حقوقی هستند که مطابق آن باید شهروندان، برابر در نظر گرفته شوند، یعنی در اصل برابری انسانی، همه با هم برابرند لیکن ماهیت این حقوق به گونه‌ای است که یا امکان توزیع آن به همه وجود ندارد و یا اصولاً ضرورت در اختیار قرار دادن آن‌ها به همگان وجود

۱۴

مصلحت‌مطابقت
مفهوم برابری

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱

¹ Blackburns, (۱۹۹۴). The Oxford Dictionary of Philosophy, Oxford University Press. p۱۲۳.

ندارد، لذا در این خصوص به رغم شناسایی برابری افراد، رفتار ممکن است نابرابر باشد، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غالباً در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند.

د: تحلیل مفهوم عدالت

عدالت در طول تاریخ معرفت بشری به عنوان ایده و ارزشی مطلوب مورد توجه بوده است. همین پیچیدگی مفهوم آن را تبدیل به مفهومی اساساً متنازع فیه نموده است.^۱ البته نزاع عمدتاً بر سر مفهوم اجمالی عدالت نیست بلکه در خصوص مفهوم تفضیلی آن می‌باشد.

حوزه‌های گوناگونی از فعالیت‌ها و مناسبات اجتماعی می‌توانند از نظر عدالت مورد توجه قرار گیرد، تنوع این حوزه‌ها، مفاهیم متعددی از عدالت را مطرح کرده است. «توزیع و تخصیص امکانات»، «پاسخ متناسب و شایسته به شایستگی‌ها»، «جبران خسارت زیان دیده»، «برخورد و مجازات جرایم» نمونه‌هایی از حوزه‌های زندگی انسانی است که به گونه‌ای با موضوع عدالت در ارتباط قرار می‌گیرند. بنابراین ناگزیر باید مفهوم واحدی از عدالت ارائه گردد که تمام حوزه‌های فوق را در برگیرد.

به نظر ارائه تعریفی مورد اتفاق از عدالت غیرممکن باشد البته ایده برابری، ایده‌ای است که در تمام مفاهیم عدالت به گونه‌ای مدخلیت دارد، بنابراین مفهوم عدالت عبارت است از «رفتار برابر با برابرها و رفتار نابرابر با نابرابرها در ارتباط با میزان تفاوت‌های نسبی آن‌ها».

به واقع پیوند عدالت با دو مؤلفه برابری و آزادی در حوزه حقوق بشر، اقتضای وجود نظام‌های قانون‌مداری را دارد که رسالت خود را تضمین حقوق و

¹ Callie C.J. (۱۹۵۶-۱۹۵۵). "Essentially Contested Concepts". Proceeding Of The Aristotelian Society. Vol, ۵۶.

آزادی‌های (بنیادین و برابر) شهروندان می‌دانند. توضیح آنکه حقوق و آزادی‌های بنیادین، ماهیتاً به گونه‌ای هستند که انسان‌ها به دلیل انسان بودن واجد آن‌ها هستند. لذا عامل و ملاک برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها، انسان بودن انسان است. باید توجه داشت که این تحلیل از عدالت هرگز به معنای مطلق انگاشتن حقوق و آزادی‌های بنیادین نیست؛ چرا که بحث از محدودیت‌ها و قیود این حقوق، در جای خود موجّه و قابل قبول است. البته محدودیت‌ها نیز باید در چارچوب غیرشخصی و در قالب قانون و نسبت به همه به صورت بی طرفانه‌ای پیش‌بینی شوند.

۲- ریشه‌یابی اصول مرتبط با حقوق بشر

الف- بررسی نظریات طرفداران حقوق بشر

- نظریه طرفداران حقوق طبیعی:

به عقیده پیروان حقوق طبیعی قوانین طبیعت دائمی و عمومی است؛ به این معنی که اولاً در تمام ازمنه و اعصار مؤثرند و ثانیاً در مورد همه اقوام و ملل مجری می‌باشند. می‌گویند چون قوانین فوق‌الذکر از جانب خود طبیعت مقرر گردیده است، همگی صحیح و موافق با مصالح و منافع نوع بشر می‌باشند. بزرگترین و مشهورترین نویسندگان و فلاسفه یونان قبل از میلاد مسیح از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو به وجود چنین حقوقی تأکید دارند.^۱

- پیش متفکران مسیحی

الهیون مسیحی قرون وسطی برای حقوق بشر منشأ الهی قائل می‌شوند و اعلام می‌دارند فقط حقوق الهی که از جانب خداوند مقرر گردیده واجد وصف عمومی

^۱ مدنی، سید جلال‌الدین، ۱۳۸۷. "کلیات حقوق اساسی". تهران: نشر پایدار.

و دائمی است و همیشه و همه جا صحیح و موافق مصالح نوع بشر می‌باشد. از جمله این متفکران می‌توان به سنت آگوستین اشاره نمود^۱.

- ظهور اسلام و تحوّل در بینش متفکران

در دوران تاریک قرون وسطی، اسلام از شبه جزیره عربستان طلوع کرد. تعالیم الهی اسلام با سرعت بی‌سابقه‌ای، در اعماق روح انسان تأثیر گذاشت. کتاب آسمانی مسلمین یعنی قرآن، محور بحث‌ها قرار گرفت، جنبش فلسفی مسلمانان گسترده‌تر از یونان و رُم رونق یافت. براساس اعتقادات اسلامی برای حقوق منشأ و مبدأ الهی قائل شده و دائمی و عمومی بودن را از اوصاف احکام الهی شناختند.

- تجدید حیات حقوق طبیعی

در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی با رونقی که کشورهای اروپایی بعد از رنسانس و در آستانه انقلاب صنعتی پیدا کردند، نظریه حقوق طبیعی که از طرف فلاسفه یونان به طور اجمال مطرح شده بود، بار دیگر مورد توجه شدید برخی نویسندگان و علمای حقوق از جمله گروسیوس و جان لاک قرار گرفت، سرانجام با پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه نسج گرفت. در مقدمه این اعلامیه آمده بود، «افراد جامعه دارای یک سلسله حقوق طبیعی، مسلم و غیر قابل انتقال می‌باشد، عدم رعایت آن‌ها منشأ و علت بدبختی اجتماعات بشری است.» اعلامیه مزبور می‌گوید: «افراد بشر در شرایط آزاد و مساوی به دنیا می‌آیند و باید در تمام مدت عمر از آزادی و مساوات بهره‌مند گردند.»

^۱ کانتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷. «مقدمه علم حقوق». تهران: نشر میزان.

ب- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی بشر در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ م به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و سپس به صورت منبع اصلی نظام بین‌المللی حقوق بشر در آمده است. این اعلامیه سندی است زنده و پویا که از ابتدای تولد تاکنون همگام با تحولات اجتماعی رشد و نمو کرده و آثاری مفید از خود بجا گذاشته است.^۱

این اعلامیه، از آنجا که مبین حقوق اساسی بشر و منادی آزادی نوع بشر و حیثیت در هر زمان و هر مکان است، تکیه‌گاهی معنوی برای آینده نوع بشر به شمار می‌آید. زیرا این سند این امید را در دل انسان‌ها به وجود آورده است که سرانجام روزی به حقوق آنان احترام گذاشته خواهد شد. درج اصول مربوط حقوق بشر در قالب این اعلامیه نیز مؤید همین معنی است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر حاصل تلاش‌های انسان و دستاورد تجربه‌های بشری می‌باشد. این دستاورد دارای ویژگی‌هایی است که به اعلامیه مزبور در صحنه جهانی، جایگاه و نقش خاصی بخشیده است از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱- **فراگیری:** اعلامیه جهانی حقوق بشر جهان مشمول است؛ یعنی در محتوای آن از اصطلاحاتی استفاده شده است که به مکان و زمان ویژه‌ای محدود نمی‌شود.

۲- **تفسیر پذیری:** متن اعلامیه، آن گونه نیست که در همه جهان یک قرائت و یا یک روایت از آن ارائه شده باشد.

۳- **ارزش متعالی حق:** در عنوان و متن اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

^۱ فلسفی، هدایت الله، ۱۳۷۵. "جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر". مجله تحقیقات حقوقی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان.

حقی که انسان‌ها دارند در آن است که انسان‌اند.

۴- مردم محوری: حق متعلق به مردم است، در این اعلامیه حق و حقوق بدون انسان بی معنی است.

۵- پذیرش هویت‌ها در اعلامیه جهانی: در مقدمه اعلامیه، تمام انسان‌ها به عنوان یک خانواده بشری انگاشته شده‌اند. در اعلامیه آمده است: «شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است.»^۱

۳- قرآن و حقوق بشر

در بینش قرآنی، رعایت حقوق اشخاص از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی جامعه نیازمند بستر و زمینه‌های خاصی است و بدون ایجاد این بستر و فضا امکان تحقق درست آن فراهم نمی‌شود. از این روست که قرآن به بینش و نگرش انسانی بهایی ویژه می‌بخشد و بر این باور است که گرایش و کنش و واکنش‌های انسانی را بینش و نگرش او ساماندهی و سازمان‌دهی می‌کند. بنابراین به این مسئله توجه می‌دهد که همه انسان‌ها به عنوان آفریده‌های خداوندی از حقوق ویژه و خاصی برخوردارند و کسی نباید به آن تجاوز و تعدی کند. این گونه است که اعتقاد به خداوند و هدفمندی و مسئله حسابرسی در آخرت و معاد را به عنوان عوامل مؤثر در تغییر رفتار انسان‌ها بر می‌شمارد و بیان می‌دارد که مهم‌ترین پشتوانه برای رعایت حقوق انسان‌ها از سوی همگان، پذیرش و اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند است:^۲

یکی از مبانی حقوق قرآن، حقوق طبیعی انسان است که جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. حقوق طبیعی انسان در اسلام بسیار گسترده‌تر از

^۱ بی‌نا، ۱۳۸۱. "اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر". انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج. ۱.

^۲ سوره نساء، آیه ۶.

حقوق طبیعی مطرح در مکتب‌های غربی است. از آنجا که از دیدگاه اسلام و قرآن، آفرینش جهان، هدفمند و دارای غایت است و شعوری کلی بر نوامیس آفرینش حاکم است و هدف کلی از آفرینش نیز کمال انسان است. در ادامه به بررسی حقوق طبیعی که قرآن برای انسان قائل است، می‌پردازیم.

الف - حق داشتن کرامت

از دیدگاه قرآن همه انسان‌ها در این که آفریده خداوند هستند شریک‌اند و این اشتراک در خلقت و آفرینش، حداقلی از حقوق را برای همه انسان‌ها موجب می‌شود.^۱

تعریفی که قرآن از انسان دارد «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۲ خود بیانگر ارزشی است که خداوند برای شخصیت انسان قائل است. در دیدگاه قرآن، انسان موجودی است که توان رسیدن به مقام خلیفه الهی را داراست و خداوند در او از روح خود دمیده است: «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و به او کرامت عطا کرده است.^۳ «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» به راستی که ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم.

ب: حق حیات

نخستین حق طبیعی انسان‌ها، حق حیات است. از دیدگاه قرآن حیات هر انسان به اندازه حیات تمامی انسان‌ها ارزش دارد. در این رابطه خداوند می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَاءَ النَّاسِ جَمِيعًا».

«هر که نفسی را بدون قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند

۲۰
فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱

^۱ اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۲. «حقوق بشر اسلامی: آرزو یا واقعیت». خردنامه همشهری، شماره ۱۱، ۸۲/۸/۱.

^۲ سوره بقره، آیه ۳۰.

^۳ حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۸. «جامعه سازی قرآنی». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

^۴ سوره مائده، آیه ۳۲.

به قتل رساند، مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده».

در نگاه قرآن به مسئله حیات انسان‌ها فراتر از حق نظر شده و از آن به عنوان تکلیفی بر عهده هر شخصی یاد شده است؛ به این معنی که هر فرد موظف به حفظ حیات خود می‌باشد^۱.

«و لاتلقوا بایدیکم الی التهکله» (بقره، آیه ۱۹۵): «خود را به مهلکه و خطر در نیفکند».

در واقع حق حیات به عنوان حق انسانی برای انسان ثابت است. به این معنا که هر انسانی به عنوان یک موجود و آفریده خداوند از این حق برخوردار است. به همین دلیل است که تعرض به این حق گناه و جرم است و مرتکب آن به سختی کیفر داده خواهد شد. در روز رستاخیز یکی از گناهای که از آن مؤاخذه و بازخواست خواهد شد مسئله قتل نفس است^۲.

ج- آزادی

آزادی در اقسام و انواع آن یعنی آزادی بیان، عقاید و اندیشه، امری پذیرفته شده در اسلام است. آیات بسیاری از قرآن کریم در خصوص این حقوق صحبت کرده‌اند (از جمله آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۲۰ سوره آل عمران)^۳. در پیش اسلام و قرآنی بر این نکته تاکید شده است که انسان به طور طبیعی، موجودی متفکر است و باید بستری مناسب برای تفکر و اندیشه افراد فراهم آید. قرآن به ایجاد بستر لازم برای تفکر و اندیشه اشاره می‌کند، که از آن برخی به آزادی اندیشه یاد می‌کنند و منظور و مرادشان همین معنای پیش گفته است. در ادامه سعی می‌شود با استناد به آیات قرآنی آزادی‌های مذکور مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴. "تفسیر المیزان". ترجمه سید محمد باقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

^۲ سوره تکویر، آیات ۹ و ۸.

^۳ آیه ۲۵۶ سوره بقره: (... لا اکراه فی الدین ...) (کار دین به اجبار نیست). آیه ۲۰ سوره آل عمران: (فان حَاجَّوْکَ فَقُلْ اَسَلَمْتُ وَجْهَیْ لَیْلَه) (پس اگر برای مخالفت با دین حق به باطل احتجاج کنند بگو من خود و پیروانم را تسلیم امر خدا نموده‌ام).

۱- آزادی اندیشه

آزادی اندیشه به مفهوم فراهم بودن شرایط، داده‌ها و راه‌های تأمین‌کننده تفکر آزاد و نفی اعمال موانع و محدودیت بر تفکر می‌باشد. انسان به طور کلی در رأی و اندیشه خود آزاد بوده و هیچ مانع و عاملی این آزادی را تهدید نمی‌کند. آزادی اندیشه، ناشی از همان استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیندیشد این استعداد حتماً باید آزاد باشد، پیشرفت و تکامل آدمی در گرو این آزادی است.

خداوند در آیه ۴۲ سوره انفال می‌فرماید: «تا آن‌ها که هلاک و گمراه می‌شوند از روی دلیل روشن باشد و آن‌ها هم که زنده می‌شوند و هدایت می‌یابند از روی دلیل باشد.» طبق این آیه، می‌توان فهمید روش اسلام در دعوت مردم، اقامه برهان و در نتیجه درخواست از مردم به تفکر و اندیشه است^۱. براساس این آیه، انسان باید حیات خود خصوصاً زندگی دینی خویش را براساس اندیشه و تفکر بنا نهد و برای عقاید و اعمالش، دلیل و حجت به دست بیاورد و برای سلوک عقیدتی و عملی خود برهان داشته باشد.

همچنین خداوند در آیات ۹۸ و ۹۹ سوره نساء می‌فرماید: "جز مردان، زنان و کودکان ناتوانی که نمی‌توانند چاره‌جویی کنند و راهی را بیابند، امید است که خداوند ایشان را عفو کند، خداوند بسیار بخشاینده و آمرزنده است." براساس مفهوم آیات فوق کسانی که به هر طریقی می‌توانند خود را از شک و سرگردانی نجات بدهند، چنین افرادی هرگز در پیشگاه الهی عذری نخواهند داشت.

براساس آیات ۱۱ بقره، ۲۴ نساء و ۷۵ قصص درخواست دلیل و توضیح خواستن، نشانگر اهمیت دادن به تفکر و دعوت به اندیشیدن است. این به دلیل آن است که اسلام مبتنی بر منطق و اندیشه است و انسان‌هایی که آزاد فکر و

^۱ مدرسی، محمد تقی، ۱۳۷۹. "مباحثی پیرامون معارف قرآن کریم". انتشارات مجبان الحسین (ع).

آزادمنش باشند، با تفکر و اندیشیدن در نهایت به حقانیت اسلام نائل می‌شوند و به آن معتقد می‌گردند.^۱

۲- آزادی عقیده

آزادی عقیده، یکی از انواع آزادی‌های اجتماعی است که پس از دوره رنسانس در غرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. زندگی بدون عقیده همانا بدون معنا خواهد بود. در واقع عقیده، جوهر و اکسیر حیات انسانی است. خداوند در آیه ۸۴ سوره اسراء می‌فرماید: «قُلْ كُلْ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» یعنی بگو هرکس مطابق شالکه خود عمل می‌کند. در این آیه شریفه، جایگاه باورها و رفتار شخصی شکل گرفته آدمی اعم از اخلاقیات، روحیات و باورها به خوبی ترسیم شده است.^۲

تفسیر این آیه بیانگر جایگاه باورها است؛ لذا هرگاه انسان به چیزی اعتقاد پیدا کند یا خصلتی در او راسخ گردد، به واقع در قید و بند آن عقیده و خصلت درآمده است و بر مقتضای آن عمل می‌کند.

اسلام به طور کلی طرفدار تفکر آزاد است. در اصول دین و در اسلام تعبد و تقلید در عقاید و اصول دین پذیرفته نیست. خداوند در آیات مختلفی مانند آیه ۱۱ از سوره مجادله، آیه ۱۱ سوره مؤمنون و آیات ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران انسان‌ها را دعوت به اندیشه در عقاید کرده است. خداوند در آیه ۱۷۰ سوره بقره به صراحت تقلید در عقاید مانند نپذیرفتن وحی را به صرف پیروی از آباء و اجداد مذمت می‌کند و آنان را به تعقل در عقیده فرا می‌خواند.

^۱ سراسر قرآن پر از آیاتی است که انسان را به سوی اندیشیدن دعوت می‌کند در این خصوص می‌توان موارد زیر را نام برد: آیه ۶۴ سوره زخرف، آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۴۷ سوره یونس و آیه ۲۴ از سوره فاطر که همگی هدف از ارسال پیامبران را انذار و تشبیر و دعوت مردم و اقامه حجت بیان می‌کند و همگی بر اهمیت اندیشه و آزادی اندیشه به منظور یافتن حقیقت دلالت می‌نمایند.

^۲ اسلامی، حسین، ۱۳۸۲. "حق آزادی عقیده در قرآن". ماهنامه ویژه اندیشه و حوزه معرفت شناسی. ج ۲۱.

علامه طباطبایی در تفسیر آیات ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره می‌نویسد^۱: چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی و جامع همه آن معارف، عبارت است از اعتقادات و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اجبار در آن راه ندارد. در ادامه بحث به طور خلاصه تفاوت آزادی اندیشه و آزادی عقیده را بیان می‌نمائیم.

آزادی اندیشه ناشی از استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیندیشد، این استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد. پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است. اما آزادی عقیده، خصوصیت دیگری دارد. می‌دانید که هر عقیده‌ای ناشی از تفکر صحیح و درست نیست، منشأ بسیاری از عقاید، یک سلسله عادت‌ها و تقلیدها و تعصب‌ها است، عقیده به این معنا نه تنها راهگشا نیست که به عکس نوعی انعقاد اندیشه به حساب می‌آید.

قرآن اصطلاح بسیار زیبایی راجع به مناظره ابراهیم و قوم او بکار می‌برد و می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ». این مناظره سبب شد که این‌ها به خود بازگردند، از نظر قرآن کریم، خود واقعی انسان، عقل و اندیشه ناب و خالص و منطق صحیح اوست.

باید کاری کنیم که عقل و فکر افراد را از اسارت در عقاید جاهلانه آزاد کنیم، در واقع اسلام به انسان‌ها حق اندیشیدن را می‌دهد ولی در خصوص موضوع عقیده هر نوع عقیده‌ای را نپذیرفته است؛ چرا که عقاید جاهلانه انسان مانع اندیشیدن انسان می‌شوند. به همین دلیل است هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه باشد و به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد، جلو آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد و از رشد افکار مردم جلوگیری می‌کند.

^۱ ترجمه آیه ۲۵۶ سوره بقره: «کار دین به اجبار نیست راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردید ...». آیه ۲۵۷ همان سوره: «خدا یار اهل ایمان است ... و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان است ...».

۳- آزادی بیان

هدف اصلی پیام خداوند به بشریت دستیابی به عدالت به نحوی کاملاً منصفانه است. این عدالت که بنیان اسلام است، حاصل نمی‌گردد مگر اینکه حقوق بشر برای همه افراد و گروه‌ها در دولت اسلامی لحاظ گردد، عمده‌ترین این حقوق، عبارت‌اند از حق برخورداری از عقیده، اندیشه و آزادی بیان، در مورد آزادی عقیده و اندیشه که مباحث پیشین مورد بررسی قرار گرفتند در این بخش به آزادی بیان می‌پردازیم.

در واقع ظرفیت‌های فکری و زبانی تمایز بخش انسان است. و لذا حق پرورش و بیان ایده‌ها مظهر تجلی گوهر شایستگی‌های انسان و تحفه‌های خداوند است. تا هنگامی که آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات نیک داشته می‌شود، دیدگاه‌های مختلف باید بیان و محترم شمرده شوند، قرآن در سوره نحل آیه ۲۵ در این باره می‌فرماید: «خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق، مناظره کن».

قرآن بارها استدلال‌ات ملحدان و مشرکان را مطرح می‌سازد و به طور واقع‌بینانه به آن‌ها پاسخ می‌گوید تا به مسلمانان بیاموزد چگونه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات باید حفظ شود تا یک چنین گفتگویی ثمربخش گردد. از نظر اسلام آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق بنیادین انسانی است.

قرآن دروغ‌پراکنی و دادن اطلاعات نادرست، همچنین بی‌تفاوتی و بی‌میلی در زمانی که حقیقت باید آشکار گردد را تقبیح می‌کند. خداوند در سوره بقره آیه ۴۲ می‌فرماید: «حق را به باطل مپوشانید تا حقیقت را پنهان سازید و حال آنکه به حقایق آن واقفید».

انسان آگاه مؤمن به خداوند همواره باید حافظ و مدافع حق و عدالت باشد:

«ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هرچند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد»^۱.

بیان واقعیت‌های شناخته شده و همکاری سازنده برای گسترش حقیقت، اجزای بنیادی تکلیف اسلامی انجام امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شوند.^۲

تمامی مسلمانان باید آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات را که برای همه مومنان هم ایجاد حق و هم تکلیف می‌نماید، استقرار بخشیده و نیک بدارند. قرآن به آن‌هایی که قدرت و اقتدار بر عهده آن‌ها سپرده شده است فرمان می‌دهد که «امانت را البته به صاحبش باز دهید و چون حاکم بین مردم شدید به عدالت داوری کنید...» (سوره نساء آیه ۵۸).

علیرغم اینکه اسلام و قرآن اصولاً آزادی بیان را پذیرفته و رعایت آن را ضروری دانسته‌اند، اما قرآن در برخی موارد آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات را به طور موقت و یا به طور جزئی برای حفظ دیگر حقوق بشر یا منافع عمومی محدود می‌کند. در شریعت اسلام، بهتان، تهمت و افتراء یا هر نوع جرمی از این دست منع گردیده و مجازات دارد. به عنوان مثال می‌توان به آیه ۱۴۸ از سوره نساء اشاره نمود: (خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت به عیب خلق صدا کند مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد که خدا شنوا و داناست).

د: حقوق زن در قرآن

در بعضی از کتب مذهبی آمده است که زن از مایه‌ای پست‌تر از مایه مرد آفریده شده و لذا جنبه طفیلی دارد اما قرآن با کمال صراحت می‌فرماید که زنان

^۱ سوره نساء، آیه ۱۳۵.

^۲ سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

را از جنس مردان و از سرشتی نظیر مردان آفریدیم^۱ و درباره همه آدمیان می‌فرماید: «خداوند از جنس خود شما، برای شما همسر آفرید»^۲ و به هیچ‌وجه نظریه تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد.

قرآن با نظر رایج آن عصر که «زن عنصر گناه است و از وجود زن شر و وسوسه برمی‌خیزد و این زن است که مرد را به گناه می‌کشاند و آدم نیز از طریق حوا فریب شیطان را خورد» سخت به مبارزه پرداخت و آن جا که داستان فریب خوردن آدم از شیطان را مطرح می‌کند، نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند، بلکه ضمیرها را به شکل تنبیه می‌آورد و این خطا را به هر دو نسبت می‌دهد: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ» «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا مِنَ النَّاصِحِينَ»^۳.

قرآن این نظر را که زن نمی‌تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می‌رسند، برسد، مردود اعلام کرده و در آیات فراوانی تصریح کرده که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست بلکه به ایمان و عمل است. اگر قرآن در جایی همسران نوح و لوط را به عنوان زنانی ناشایسته برای شوهرانشان ذکر می‌کند. از زن فرعون هم به عنوان زن بزرگی یاد می‌کند.

چنان که حتی درباره مریم (س) بیان می‌کند که کارش از لحاظ مقامات معنوی آن قدر بالا گرفت که پیامبر زمانش، زکریا، در مقابل او مبهوت مانده بود.^۴ یکی دیگر از نظریات تحقیرآمیزی که نسبت به زن وجود داشته مربوط است به ریاضت جنسی و مقدس بودن تجرد و عزوبت که ریشه آن بدبینی به جنس زن است، که عده‌ای محبت زن را جزء مفاسد بزرگ اخلاقی به حساب می‌آورند. اسلام با این خرافه نیز سخت مبارزه کرد، ازدواج را مقدس و تجرد را پلید شمرد

^۱ «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ».

^۲ سوره نساء، آیه ۱.

^۳ مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴. "نظام حقوق زن در اسلام". چاپ پنجم. تهران: انتشارات صدرا.

^۴ سوره تحریم، آیات ۱۱ و ۱۰.

تا آن جا که حتی دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیاء معرفی نمود.^۱ قرآن با کمال صراحت می‌گوید زمین و آسمان برای انسان آفریده شده‌اند، اما هرگز نمی‌گوید که زن برای مرد آفریده شده، بلکه معتقد است هر یک از زن و مرد برای دیگری آفریده شده‌اند: «هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»، پس بنابراین می‌بینیم که قرآن هرگز عقاید خرافی و تبعیض‌آمیز علیه زنان را نپذیرفته و همه جا از مساوی بودن زن و مرد صحبت رانده است.^۲

هـ: تأمین عدالت در قرآن

در تفسیر المیزان در ذیل آیه «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری، آیه ۱۵) آمده است: معنای جمله مورد بحث این است که من مأمور شده‌ام بین شما عدالت را برقرار کنم، یعنی همه را به یک چشم ببینم، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر، مقدم ندارم و سفید را بر سیاه و عرب را بر غیر عرب و هاشمی را و یا قریشی را بر غیر آنان برتری ندهم.^۳ لذا در این بخش به بررسی مسئله عدالت از دیدگاه قرآن به عنوان یکی از اهداف اساسی دین اسلام می‌پردازیم.

عدالت عامل دوام و بقای حکومت‌ها دانسته شده و مهم‌ترین هدف پیامبران الهی را تشکیل می‌دهد: «و لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (سوره حدید، آیه ۲۵).

(به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند).

^۱ در کتاب تفسیر نمونه در مورد حقوق زن آمده است که اسلام زن را مانند مرد برخوردار از روح کامل انسانی و اراده و اختیار دانسته و او را در مسیر تکامل که هدف خلقت است، می‌بیند. (آیه ۹۵ از سوره نحل) اسلام زن را مانند مرد به تمام معنی مستقل و آزاد دانسته.

^۲ سوره حجرات، آیه ۱۳.

^۳ طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴. "تفسیر المیزان". ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. سوره ۱۸ آیه ۴۶.

در این خصوص همچنین می‌توان به آیه ۴۷ سوره یونس اشاره نمود. شهید مطهری در باب اهمیت عدالت می‌نویسد: کلام اسلامی بیش از هر چیز به مسئله عدل پرداخته است، فقه اسلامی قبل از هر چیز مسئله عدل برایش مطرح گردید، و در جهان سیاست اسلامی بیش از هر کلمه‌ای کلمه عدل به گوش می‌خورد.^۱ هیچ حکم قانونی در نظام اسلام نیست مگر اینکه از عدل سرچشمه گرفته است و عدالت در اسلام از اصولی است که هیچ تخصیص بردار نیست.^۲ آیات بسیاری در قرآن کریم در باب لزوم توجه به تأمین و برقراری قسط و عدل و قرآن به چشم می‌خورد به نحو مختصری به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱- عدالت قضایی

خداوند خطاب به داوود (علیه‌السلام) که از نخستین پیامبرانی است که به تشکیل حکومت پرداخته است از او می‌خواهد که بین مردم به حق داوری کند و از خواهش‌های نفسانی پیروی نکند:

«یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس و لا تتبع الهدی (سوره ۳۸ آیه ۲۶). و ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه گرداندیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوی پیروی نکن.

و در آیه ۵۸ از سوره نساء می‌فرماید: «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل. (خداوند، به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید.)»

۲- عدالت اقتصادی

علامه طباطبایی در ذیل آیه «قُلْ امر ربی بالقسط». با بیان اینکه واژه قسط را

^۱ مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲. "عدل الهی". تهران: انتشارات صدرا. چاپ دوم.

^۲ سجایی، جعفر، بی تا. "معالم الحکومه الاسلامیه". بی جا.

«بهره عادلانه» معنی کرده است می‌گوید^۱: پس مقصود از جمله مزبور این خواهد بود که بگو پروردگار من به گرفتن بهره عادلانه و ملازمت و میانه‌روی در همه امور و ترک افراط و تفریط امر کرده است.

همچنین در ذیل آیه ۲۵ از سوره حدید می‌فرماید: «و لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط:

«ما ترازو را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهیم، در نتیجه دیگر خسارت و ضرری نبیند، اختلالی در وزن‌ها پدید نیاید و نسبت میان اشیاء مضبوط شود؛ چون قوام اجتماع به معاملاتی است که بین آنان دایر است و یا مبادلاتی که با دادن کالا و گرفتن آن کالا صورت می‌گیرد و معلوم است که قوام این معاملات و مبادلات در خصوص کالاهایی که باید وزن شود به این است که نسبت میان آن‌ها محفوظ شود و این کار را ترازو انجام می‌دهد.^۲»

همچنین قرآن روشنگرانی که در امر خرید و فروش جانب عدالت را رعایت نمی‌کنند، وعده عذاب داده است:

ویل للمطففین، الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون، و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون (سوره مطففین آیه ۱ تا ۳).

«وای بر کم‌فروشان، که چون از مردم پیمانانه ستانند تمام ستانند و چون برای آنان پیمانانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند.»

در ادامه یکی از نکاتی که در این راستا باید مورد بحث قرار گیرد. مالکیت می‌باشد. تلاشی که انسان در بهره‌وری و تولید منابع و ثروت می‌کند برای وی حقی ویژه را ایجاد می‌کند که از آن به حق مالکیت یاد می‌کنند. از این رو انسان بر دام‌های خویش و یا زمین‌هایی که احیاء و زنده کرده است مالک می‌شود و

^۱ طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴. "تفسیر المیزان". ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی. بخش ۸ صفحات ۹۱-۹۰.

^۲ طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴. "تفسیر المیزان". ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی. بخش ۲۷ صفحه ۳۰۱.

حق بهره‌برداری خاص از آن‌ها را داراست. البته برخورداری از این حق چنان که بیان شد تنها در محدوده مالکیت خویش است و این‌گونه نیست که بر همه چیز مالکیت یابد. از نظر قرآن حق مالکیت خصوصی افزون بر حق مالکیت عمومی، برای همگان ثابت است و حتی افراد نابالغ نیز از آن بهره‌مند می‌باشند. (سوره نساء آیه ۲ و ۶ و سوره اسراء آیه ۳۴).

۳- عدالت سیاسی

منظور از عدالت سیاسی این است که طبقه فرمانروا حقوق سیاسی مردم را عطا کنند و مردم نیز حقوق طبقه حاکم را. حقوق طبقه حاکم همان اطاعت است و البته طبق بیان حضرت علی (ع) نصیحت و تذکر به حاکم نیز حقی است که حاکم بر مردم دارد.

در قرآن خطاب به مؤمنان آمده است:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَابِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (سوره نساء آیه ۵۹).

خداوند را اطاعت کنید و از رسول و صاحب امرتان فرمان ببرید.

پیرامون حقوق سیاسی مردم نیز می‌توان به آیات مربوط به مشورت و شوری

مثل:

وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ^۱ و(شاورهم فی الأمر)^۲ اشاره نمود.

نتیجه اینکه در قرآن، عدالت به صورت بسیار گسترده مورد توجه و عنایت واقع شده است عدالت به معنای اساس و پایه رسالت انبیاء معرفی گردیده است.^۳

^۱ و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است (سوره شوری، آیه ۳۸).

^۲ در کار با آنان مشورت کن (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

^۳ و لقد ارسلنا رُسُلَنَا ليقوم الناس بالقسط: همانا پیامبرانمان را ارسال نمودیم برای اینکه در بیان مردم عدالت را بر پا دارند.

نتیجه‌گیری

حق به ویژه در کشورهای شرقی و کشورهای اسلامی، با دین گره خورده است. حقوقی که در اعلامیه جهانی برای بشر بیان گردیده از آن جهت که جهانی است، می‌تواند با دین اسلام همسویی‌هایی داشته باشد. در کشورهای اسلامی، حق یک امر دینی و شرعی انگاشته می‌شود، حق و حقوق از آن جهت که دینی است، از جمله امور مقدس و متعالی است. حق پدر و مادر، حق فرزندان، حق همسر، در این جا حق با نعمت معنی می‌شود. یعنی حق نعمتی است که خداوند به فرد داده است.

همان طور که قبلاً نیز گفته شد اعلامیه جهانی حقوق بشر که حاصل تلاش‌های انسانی و دستاورد تجربه‌های بشری است دارای ویژگی‌هایی است که بدان در صحنه جهانی جایگاه و نقش خاصی بخشیده است از جمله این ویژگی‌ها فراگیر بودن اعلامیه مذکور می‌باشد، دین اسلام نیز همین ویژگی را دارد. این دین برای قوم و ملیت خاصی نیامده است، همه انسان‌ها در دایره مخاطبان اسلام قرار می‌گیرند. پیامبر اسلام (ص) چون پیامش فراگیر است، نه در قید زمان خواهد ماند و نه در قید مکان و نه محدود به زبان و قوم خاص می‌شود.

خطابه‌ای قرآن، ویژه طبقه یا قومی خاص نیست، بلکه گسترده است و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد.

در قرآن، گرچه حق یک امر الهی و دینی است، اما متعلق آن، مردم هستند، یعنی در مرجع حق، این مردم‌اند که بدان واقعیت می‌بخشند. ممکن است حیات، بدون انسان فرض شود، ولی حق و حقوق بدون انسان بی معنی است. با انسان و پیوندها و بستگی‌های انسانی است که حق معنی خواهد یافت.

در اسلام برای مؤمن و کافر یکسری حقوق عام فراگیر وجود دارد که باید محترم شمرده شود، چنان که در مقدمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی که به تصویب

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره رسیده، آمده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمین است. از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها در این که آفریده خداوند هستند شریک‌اند و این اشتراک در خلقت و آفرینش، حداقلی از حقوق را برای همه انسان‌ها موجب می‌شود. در واقع قرآن برای جامعه بشری ظرفیت جهان‌شمولی دارد و پیام‌های آن برای تمام معلمان جهان و حافظان حقوق بشر، قابل اعتنا و کاربردی است. تکیه بر نقاط مشترک پیروان ادیان آسمانی و پایبندی به اصول انسانی (مانند عدالت‌گستری)، تلاش برای ریشه‌کنی هرگونه ناهنجاری، ناپاکی و اختلاف و حمایت از حق و درستی، همگی شاخص‌هایی است که ظرفیت جهان‌شمولی قرآن را به نمایش گذاشته است: رسالت قرآن، رشد ایمان، تکریم بشریت و جهت‌دهی به حرکت انسان می‌باشد.

پس ما مسلمانان وظیفه داریم با توسل به این منبع سرشار الهی در راستای حفظ ارزش‌های متعالی بشریت گام برداریم.

منابع

۱. منابع فارسی

الف: کتاب

- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۸. "جامعه سازی قرآنی". تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سحابی، جعفر، بی تا. "معالم الحکومه الاسلامیه". بی جا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴. "تفسیر المیزان". ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۲. "حقوق بشر در جهان معاصر". تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷. "مقدمه علم حقوق". تهران: نشر میزان.
- مدرسی، محمد تقی، ۱۳۷۹. "مباحثی پیرامون معارف قرآن کریم". انتشارات محبان الحسین (ع).
- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۸۷. "کلیات حقوق اساسی". تهران: نشر پایدار.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲. "عدل الهی". تهران: انتشارات صدرا. چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴. "نظام حقوق زن در اسلام". تهران: انتشارات صدرا. چاپ پنجم.

۳۴

صلوات و مقامات
توق بشرا سلامی

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱

ب: مقالات و اسناد

- اسلامی، حسین، ۱۳۸۲. "حق آزادی عقیده در قرآن". ماهنامه ویژه اندیشه و حوزه معرفت شناسی. ج ۲۱.
- اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۲. "حقوق بشر اسلامی: آرزو یا واقعیت". خردنامه همشهری، شماره ۱۱، ۸۲/۸/۱.
- بی نا، ۱۳۸۱. "اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر". انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ج ۱.
- فلسفی، هدایت الله، ۱۳۷۵. "جایگاه بشر در حقوق بین الملل معاصر". مجله تحقیقات حقوقی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان.

۳۵

فصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر در آیات قرآنی

نجمه رزم خواه

۲. منابع انگلیسی

الف: کتاب

- "The Oxford Dictionary Of Philosophy". Blackburns: Oxford University Press. 1994.
- Cossere,A, 1991. "International Law in a Divided World". Oxford University Press.

ب: مقاله

- Callie, C.J, 1955. "Essentially Contested Concepts". Proceeding Of The Aristotelian Society. Vol, 56-56.

